

از مورخین گمنام عهد غزنویان:

تاریخ مجدول و مؤلف آن

علامه عبدالحی حبیبی

زمانیکه به تصحیح و تعلیق کتاب طبقات ناصری مشغول بودم در پاره‌ از معلومات راجع به تاریخ مجدول و مؤلف آن که از مؤرخین گمنام وطن است نزد من فراهم آمد و در پایان کتاب مذکور تعلیق گردید. اینک موجز آن معلومات درینجا آورده شد، تا خوانندگان این مجله را نیز ازان بهره‌ باشد.

اندر اوقاتیکه مؤرخ بارع و دانشمند نامور و نویسنده زیر دست وطن ما قاضی القضاة و صدر جهان مولینا منجاج الدین ابو عمر و عثمان ابن مولینا سراج الدین محمد المنهاج الجوزجانی در حضرت دهلی بجل و فصل قضائی ماموریت داشت بدست وی کتابی افتاد، که مطالعه آن مولینا را بران داشت، تا شهکار تاریخی و ادبی خویش ”طبقات ناصری“ را بنویسد. این کتاب را مولینا بنام ”تاریخ مجدول“ ذکر میکند، و در کتاب خویش مطالب عمده ازان بر می دارد (حدود ۶۵۷هـ).

در مقدمه کتاب راجع به آن چنین می نویسد: وقتی از اوقات در دیوان مظالم و مقام فصل خصومات و قطع دعاوی کتابی در نظر آمد که افاضل سلف برای تذکره امثال خلف از تواریخ انبیاء و خلفا و انساب ایشان و اخبار ملوک گذشته جمع کرده بودند و آنرا در حواصل جداول ثبت گردانیده. در عهد سلاطین آل ناصرالدین سبکتگین بر سیل ایجاز و نهج اختصار، از هر بستانی گلی و از هر بحری قطره جمع آورده و بعد از ذکر انبیاء و انساب طاهر ایشان و خلفای بنی امیه و بنی العباس و ملوک عجم و اکاسره بر ذکر خاندان سلطان سعید محمود سبکتگین غازی بسنده نمود، و از ذکر دیگر ملوک و اکابر و دود مانهای سلاطین

ما تقدم و متأخر اعراض کرده. این ضعیف خواست تا آن تاریخ مجدول بذکر ملوک و سلاطین اسلام عرب و عجم از اوایل و اواخر مشحون گردد...^۱ باین طور تاریخ مجدول کتابی بود، که تواریخ انبیاء و ملوک و شاهان عرب و عجم را دران بصورت جدول، در عهد غزنویان فراهم آورده بودند. معلوماتی که مولینا منجاج سراج در آغاز کتاب خویش راجع به تاریخ مجدول داده قرار سابق است ولی در لف مضامین کتاب بمواردیکه از تاریخ مجدول مطلبی را بر داشته و حدیثی را اقتباس کرده این کتاب را چنین معرفی میکند: در طبقه اول گفته: ”این فصول از تاریخ مجدول بی زبادت و نقصان نقل افتاد...“

در آغاز طبقه (۱۱) گفت ”امام محمد علی ابوالقاسم عمادی در تاریخ مجدول چنین آورد... و ازین اشارت بسیار مغتنم مؤلف است که ما بنام نویسنده تاریخ مجدول آشنا میشویم و می گویم: که آن شخص از نویسندگان و مورخین باستانی وطن است.

در نسخه خطی طبقات که من دیده ام (عمادی) نوشته شده ولی در مطبوع کلکته (حمادی) است، و مستشرق ماسوف علیه میجر راورتی که کتاب طبقات ناصری را بانگلیسی ترجمه کرده می نویسد: که در چند نسخه خطی نیز (حمادی) نوشته شده، که صحتی ندارد، و ثقه تر آن همان (عمادی) است که در نسخ موثوقه چنین آمده است.^۲

علی ای صوره: تاریخ مجدول عمادی از مهمترین کتب تاریخ است، که بقول صاحب طبقات در عهد آل محمود، یکی از ائمه کرده است، ولی در نام مؤلف آن که مولینا ضبط کرده و هم در عصر زندگانی وی مراسختی است که در ذیل نوشته می آید:

کتاب مجمل التواریخ و القصص که بسال (۵۲۰هـ) نوشته شد، و در سال (۱۳۱۸ش) در تهران آقای ملک العشاء بهار تصحیح و ترتیب و طبع کرد نیز در شرح آل محمود، کتاب عمادی را بدین سیاق یاد کرده است: و مرا این تواریخ

۱. دیباچه طبقات ناصری خطی.

۲. ترجمه طبقات ج ۱- فت نوت ص ۶۹.

از املاء امیر عمادی محمود بن الامام السنجری الغزنوی حفظه الله معلوم شد، و انرا به محل اعتماد توان داشت...^۱

در ضبط تان نویسنده تاریخ مجدول که مولانا منهاج سراج کرده است، با آنچه مؤلف مجمل راست، اختلافی است، که یکی محمد و دیگری (محمود) نوشته، ولی این اختلافی جزوی را نمی توان مدار ظنی پنداشت، که عمادی طبقات را از عمادی هجمن بیگانه گرداند.

طبقات ناصر کنیت وی را (ابو القاسم) و نام پدرش را علی ضبط کرده ولی مجمل بدون ذکر اسم محضه نسبت وی را "سنجری و غزنوی" تصحیح نموده و نخستین "امام" را با نام پسر، ولی دومین با اسم پدر ضم کرده است، که روایتین را با یکدیگر اختلاف اساسی موجود نیست، و باید گفت، که مقصد هر دو مؤلف شخص واحدی بود، که تاریخی را املاء کرده بود.

دکتور محمد ناظم نویسنده حیات و اوقاف سلطان محمود نیز در ذکر مآخذ و منابع کتاب خویش بدین فکر رفته است و شاید از تحقیقات بارتولد شرق شناس ماءسوف علیه بدین فکر افتاده باشد.^۲

نگارنده این سطور، چند سال پیش نسخه از کتاب اللبلدان ابی بکر احمد محمد المعروف باین لفقیة الهمدانی را در کابل دید، که نسختی بود در کمال ثقت از سیاق نوشته و کاغذ آن پدید بود که چندین قرن بیشتر نوشته شده در آخر آن کتاب مخطوط قدیمی اوراقی چند با جداول منجرفی بنظر آمد که تاریخ دودمانهای پادشاهان و سلاطین عرب و عجم را از اقدم عصور دوره آل محمود در بر داشت، نگارنده در آن وقت بدین فکر بیفتمادم که در باره آن اوراق تحقیقی کند و سراپا آنرا نقل بگیرد. فقط جدولی چند ازان کتاب برداشتم و در یاد داشتهای خویش ثبت گردانیدم و اکنون ازان کتاب خبری ندارم که کجاست؟ و بدست که افتاد.

۱. مجمل ص ۴۰۵.

۲. ترجمه حیات و اوقاف سلطان محمود، طبع کابل، ص ۴.

اکنون که در ضمن تحقیق و کنجکاوی تاریخ مجدول بدان یادداشت نیاز افتاد و با آنچه صاحب مجمل از املا امیرعمادی بر داشته مقابله گشت معلوم شد که اوراق مذکوره حصه از تاریخ مجدول عمادی است. چه در اغلب مطالب با ضبط صاحب مجمل مطابقت دارد و سیاق کتابین از هم دور نیست.

این اتفاق ظن نویسنده را که عمادی طبقات ناصری همان عمادی مجمل باشد بیقین نزدیکتر ساخت و پدید آمد که این مورخ یکی از نویسندگان گمنام و مؤرخین حضرت غزنه است که متأسفانه روزگار کتاب نایاب و ارجمند وی را از دست ما ربوده است.

اکنون بعد از تطبیق قولین و ملاحظه جهت نام این مورخ گمنام را چنین باید نگاشت:

”امام ابو القاسم محمد عمادی بن امام علی سنجری غزنوی“ یا ”امیر محمود عمادی بن امام ابو القاسم علی سنجری غزنوی“ عصر زندگانی این مورخ را که بدون شبهت باشنده حضرت غزنه است میتوان از سیاق بیان صاحب مجمل دریافت. چه مؤلف مجمل بعد از یاد کردن نام وی دعائیة (حفظه الله) را نوشته و این خود ظاهراً دلالت دارد برینکه نویسنده تاریخ مجدول در زمان نگارش کتاب مجمل (۵۲۰هـ) زنده بود و با صاحب مجمل معاصر است، زیرا دعائیة (خدایش نگهدارد) در مورد شخص متوفی صادق نمی آید و همواره اشخاص از جهان رفته را بدعای مغفرت و آمرزش یاد کنند امدا اینکه مؤلف مجمل نام وی را با احترام یاد کرده و او را امیر و پدرش را امام خوانده است نیز پدید میگرداند که این مورخ به دودمان نجیبی نسبت داشته و صاحب مجمل را با او معاصرت و شناسائی بوده است.

چون عصر زندگانی مؤلف تاریخ مجدول حدود (۵۲۰هـ) است، و این زمان مقارن می آید بعهد سلطنت یمین الدوله بهرامشاه غزنوی، بنا بران وی را از مؤلفین اواخر دوره آل محمود باید شمرد، که با جد دوم نویسنده طبقات ناصری (ابراهیم بن امام عبدالخالق جوزجانی) معاصر باشد.^۱

۱. آریانا ۱۳۲۴، شماره ۱۲، ص ۴۹-۵۲.